

کبوترانِ روی چمن

ؤلفگانگ کوپن

ترجمه اژدر انگستری

منتشر بیدگل

Bidgol Publishing co.

فهرست

۱۱	مقدمه مترجم انگلیسی
۳۷	درآمد نویسنده بر چاپ دوم کتاب
۳۹	کبوتران روی چمن
۳۸۷	ولفگانگ کوپن «مدرن ترین» بود
۳۹۷	پی نوشت ها
۴۳۷	فهرست نام ها

مقدمه مترجم انگلیسی

کبوتران روی چمن در زمان خود یگانه بود. در دورانی که سایر نویسندگان آلمانی کاری به اینجا و اکنون نداشتند، دورانی که در آن هم‌وغم بسیاری پدید آوردن فرم‌های روایی ساده بود، وُلْفگانگ کوپن رمانی پیچیده و انتقادی نوشت در ادامه سنتِ اولیس جویس و میدانِ الکساندر برلین اثر آلفرد دوبلین. این رمان مردم آلمان غربی را در بزنگاه عبور از ناامیدی و نبود اعتماد به نفس پس از جنگ به تصویر می‌کشد، در حرکت به سوی خودباوری تازه و آتی حاصل از معجزه اقتصادی آلمان.

با این حال خوانندگان در ابتدا از این رمان که نخست در ۱۹۵۱ منتشر شد استقبال گرمی نکردند، چرا که نمی‌خواستند با پرسش‌های آزاردهنده‌ای که پیش می‌کشید مواجه شوند. شناخت جنایات نازی‌ها به حدی بود که آلمانی‌ها نتوانسته بودند دوره سوگواری معمول پس از هر فقدان را

سپری کنند. آنها انرژی زیادی صرف متمایز کردن خاطرات پذیرفتنی از خاطرات غیرقابل پذیرش کرده بودند و همین امر توان آنها را برای رویارویی با واقعیت جاری شان تحلیل برده بود. در اوایل دهه ۱۹۵۰ کوپن عملاً تنها نویسنده‌ای بود که بر توصیف انواع خودفریبی‌هایی که شاهدش بود اصرار می‌ورزید و همچنین بر طرح پرسش‌هایی درباره تأثیر مستمر گذشته نزدیک بر امروز.

رمان کوپن نزدیک به یک دهه پیش از آن منتشر شد که ادبیات آلمان غربی با طبل حلبی گونتر گراس در عرصه جهانی اعلام حضور کرد. اما با وجود موجی از رمان‌ها و نمایشنامه‌های پخته در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت که به لحاظ وجوه انتقادی هم‌تراز آثار کوپن بودند و برای گراس، مارتین والزر، پیتروایس و دیگران ستایش منتقدان و خیل عظیم خوانندگان پُرشور را به ارمغان آوردند، کوپن همچنان در دهه نخست پس از جنگ منزوی و قدرنشناخته باقی ماند. تضاد موجود در استقبال از این صداهای ادبی مشابه بازتابی است از دو گام متمایز آلمان غربی در مسیر رفع تأثیرات سوء ناسیونال سوسیالیسم.

آلمان در پایان جنگ، هم از نظر روحی و هم از نظر مادی، ویرانه بود. نهادهایی که مردم در سایه‌شان به زندگی خود سامان می‌دادند از جنگ جان سالم به در نبرده بودند.